

عوامل بالا رفتن آمار طلاق در جامعه و راهکارهای تحکیم خانواده

داود محمدجانی^۱، امیر فاضلی^۲

^۱ استادیار گروه معارف دانشگاه مهارت شهید شمس پور

^۲ استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (نویسنده مسئول)

چکیده

نرخ طلاق در سال های گذشته به طور چشمگیری افزایش یافته است. هدف پژوهش حاضر بررسی علل رشد طلاق در جامعه و راهکارهای تحکیم خانواده می باشد. مقاله حاضر با توجه به دستاوردهای پژوهش های انجام گرفته طی دهه اخیر، به دنبال یافتن مهم ترین عوامل رشد آمار طلاق در جامعه ایران و تبیین عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده می باشد. یافته ها نشان داد که عوامل فردی (شخصی، شخصیتی، جمعیت شناختی و جسمی) و عوامل فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی، قانونی و موقعیتی در ایجاد طلاق نقش دارند. به علاوه، توجه به آمادگی های درونی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی در سطح گسترده نیز مزید علت شده و باعث افزایش روزافزون طلاق گردیده است. افزون بر آن، فرهنگ و عوامل شخصی و شخصیتی نشأت گرفته از فرهنگ را می توان به عنوان عامل مستعدساز، در رأس عوامل پدیدآورنده طلاق به شمار آورد.

واژه های کلیدی: خانواده، طلاق، تحکیم خانواده، عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل روانی

۱. مقدمه و طرح مسأله طلاق

از اساسی ترین مباحث در روند رشد شخصیت و پیشرفت و تعالی انسان به سوی سعادت و «فوز ابدی» خانواده است. در غرب و در میان افرادی که جهان بینی مادی دارند یا در باورهای دینی ضعیف اند، پیوند اعضای خانواده بر اصل منافع شخصی و مادی ملاک های قرارداد و از این باور، ضربه های تلخ و دردناکی را نیز تحمل نموده اند. خانواده، اولین نهاد عمومی است و هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده سالم نمی تواند ادعای سلامت کند و هریک از آسیب های اجتماعی ریشه در نظام خانواده دارند. یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی طلاق است.

طلاق به برهم زدن یا تغییر دادن وظایف و مسئولیت های ازدواج بین زوج و تحت نظارت قانون هر منطقه گفته می شود. قوانین آن در مناطق مختلف متفاوت است، اما در اغلب آن ها نیازمند حکم قانون و طی کردن مراحل قانونی است. مراحل قانونی آن شامل حضانت فرزندان، تقسیم دارایی، نفقه و نحوه دیدار و دسترسی به فرزندان، حمایت از فرزندان و غیره است (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۹).

از میان همه مشکلات اجتماعی هیچ یک به اندازه طلاق آثار بلندمدت ندارد. طلاق، معمولاً پس از یک دوره اختلال یا بی سازمانی در روابط زناشویی واقع می شود [۳]. بسیاری از مطالعات نشان دهنده این هستند که طلاق عوارض متعددی بر سلامت جسمی و روانی والدین و فرزندان آن ها دارد. افراد مطلقه احساس نشاط کمتری دارند و علائم افسردگی و پرخاشگری، اضطراب، انزوای اجتماعی، مسائل ناگوار و مشکلات بیشتری را تجربه می کنند (توسلی و غیائی، ۱۳۹۶).

از سوی دیگر، فرزندان طلاق نیز با خطر اختلالات رفتاری، عملکرد آموزشی ضعیف، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، بیماری های روانی و دشواری در برقراری رابطه در بزرگسالی روبه رو هستند [۵، ۶، ۷]. به عبارت دیگر می توان گفت در سطحی کلی تر، کاهش میزان سرمایه و اعتماد اجتماعی، مسئولیت ناپذیری اجتماعی، کاهش میزان تعهد اجتماعی، پیدایش هویت های سیال، پراکنده و مبهم تأیید شده است.

شاخص هایی که برای تعیین وضعیت طلاق به کار می رود، عبارت است از نرخ خام طلاق، نسبت طلاق به ازدواج و نسبت ازدواج به طلاق. روش استاندارد جمع آوری فراوانی طلاق نرخ خام است، یعنی تعداد طلاق در ۱۰۰۰ نفر. در ایران بر اساس شاخص ها، طلاق روندی صعودی دارد. آمارها نشان می دهد در سال های اخیر رشد طلاق همواره از میزان رشد ازدواج پیشی گرفته است. میزان نرخ خام طلاق در ایران در آخر سال ۱۳۹۹ در بالاترین میزان خود و ۲۷/۲ به ازای ۱۰۰۰ نفر جمعیت بوده است و گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال بیشترین سهم را در این رقم داشته است. بررسی روند طلاق در ایران نشان می دهد تعداد قابل توجهی از طلاق ها در ایران در ۶ سال نخست زندگی اتفاق می افتد و همچنین زنان بی همسر در اثر طلاق جمعیت بزرگتری را در مقایسه با مردان بی همسر در اثر طلاق تشکیل می دهند (هنریان و یونسی، ۱۳۹۹).

مطالعات اخیر نشان داده است به طور کلی هفت عامل زمینه ای، رفتاری، اقتصادی خانواده، محیطی، اعتقادی و نگرشی، ویژگی های فردی زوجین و عوامل ارتباطی درون خانوادگی به عنوان عوامل مؤثر در طلاق شناخته می شود و عمده متغیرهایی چون عوامل تورم در بخش مسکن، بیکاری مردان، افزایش سطح تحصیلات دانشگاهی زنان و نابرابری درآمد سبب تشدید طلاق و متغیرهای افزایش رفاه خانوار و اشتغال مردان حتی به صورت ناقص سبب کاهش میزان طلاق در جامعه می شود (هنریان و یونسی، ۱۳۹۹).

با وجود مطالعات صورت گرفته در ایران تاکنون مطالعه جامعی که به بررسی شاخص های طلاق، علل و راهکارهای تحکیم بنیان خانواده برای کاهش آن بپردازد، صورت نگرفته است. بنابراین هدف مطالعه حاضر، مطالعه شاخص های اماری رشد طلاق در ایران، علل مؤثر بر آن و اقدامات و راهکارهای تحکیم بنیان خانواده در کشور است.

۲. اهداف تشکیل خانواده

نخستین هدف از تشکیل خانواده، بقای نسل تشکیل جامعه سالم و تأمین سلامت روانی افراد است. یکی دیگر از اهداف زندگی خانوادگی، تأمین نیازهای اعضای خانواده در سایه زندگی مشترک است و هر کاری به نسبت مقدار تأثیری که در برآوردن این هدف داشته باشد، ارزشمند خواهد بود. کارهایی که اعضای خانواده برای تأمین این هدف انجام می دهند به دو نوع اصلی تقسیم می شود:

الف) کارهایی که همه اعضای خانواده با انجام آنها به طور یکسان می توانند در تأمین این هدف مؤثر باشند.

ب) کارهایی که از همه افراد خانواده، ساخته نیست بلکه به تناسب ویژگی جسمی و روانی، فرد خاصی باید به انجام آن کارها بپردازد و انجام آن از توان اعضای دیگر خارج است. بر همین اساس به طور طبیعی نوعی تقسیم کار در میان اعضای خانواده شکل گیرد.

برای نمونه ایفای نقشی که زن در محیط خانواده دارد، در توان مرد نیست، زن با توجه به ساختار طبیعی و جسمانی اش می تواند باردار شود. فقط او پس از وضع حمل می تواند کودک خود را با شیرتغذیه کند و با توجه به ویژگی های روانی مادر آنها را پرورش دهد که این، کارها از مرد بر نمی آید. از دیگر سو، مرد نیز با توجه به ویژگی های جسمانی و روانی خود وظایفی را در مسیر تأمین اهداف خانواده برعهده دارد که زن قادر به انجام آنها نیست. پس تفاوت کارهای مرد و زن در تأمین اهداف خانواده، به تفاوت ویژگی های روحی و جسمی آنان مربوط میشود. در نگاه کلی زن از نظر احساسات و عواطف قویتر است و مرد در تدبیر و تعقل. در محیط خانواده که هم به تدبیر نیاز دارد و هم به پرورش و تربیت این تقسیم کار به شکل طبیعی به وجود می آید که مرد به اداره خانواده و تأمین نیازهای اقتصادی آن بپردازد و زن پرورش فرزندان را برعهده گیرد (شفیعی مازندرانی، ۱۳۸۵).

۳. مفهوم و ماهیت طلاق

طلاق علاوه بر این که فرآیندی قانونی به شمار می آید، مسائل روان شناسی هم به دنبال خواهد داشت. روند قانونی طلاق، دارای اهمیت زیادی است. ولی فرآیند روانشناسی طلاق و نحوه جدایی دو طرف تا حدود زیادی وضعیت و ماهیت طلاق را تعیین می کند.

طلاق از نظر لغوی به معنی رها شدن میباشد و در اصطلاح عبارت از پایان دادن زناشویی به وسیله زن و شوهر می باشد. همچنین طلاق را می توان انحلال رابطه همسری در ازدواج دائمی را که بعد از آن از نظر رعایت حقوق و تکالیف مربوط به زناشویی مسئولیتی برای دو همسر نخواهد بود، تعریف کرد. طلاق را اغلب راه حل رایج و قانونی عدم سازش زن و شوهر، فرو ریختن ساختار زندگی خانوادگی، قطع پیوند زناشویی و اختلال ارتباط والدین با فرزندان تعریف کرده اند. در حقیقت

همانگونه که پیوند بین افراد طبق آیین و قراردادهای رسمی و اجتماعی برقرار میشود. چنانچه طرفین نتوانند به دلایل گوناگون شخصیتی، محیطی، اجتماعی و یا یکدیگر زندگی کنند به ناچار طبق مقررات و ضوابطی از هم جدا میشوند. از این نظر خانواده همچون عمارتی است که زن و شوهر ستون های آن را تشکیل میدهند و فروریختن هرستون استحکام و استواری عمارت را دچار تزلزل و گسستگی میکند. طلاق با این دید، یکی از غامض ترین پدیده های اجتماعی، ارکان خانواده را در هم ریخته و بیشتر اثرات مخرب خود را بر روی فرزندان برجای میگذارد. طلاق گسستن و فروپاشیدن کانون گرم و آرام بخش زندگی است که اثرات جبران ناپذیری بر اعضاء خانواده میگذارد. در تحقیقاتی که در زمینه طلاق صورت گرفته مشخص گردید ازدواج هایی که به طلاق منجر شده اند، کاهش شدیدی در اعتماد به نفس اعضاء خانواده به وجود میآورد. چنین کمبودی میتواند ماهیتی اجتماعی، روانی یا جسمی باشد. کاهش اعتماد به نفس در نتیجه طلاق منشأ مهم اختلالات اعضاء خانواده در حین و بعد از طلاق میباشد. در این تحقیق همچنین مشخص شد نه تنها طلاق سطح اعتماد اعضاء خانواده را کاهش میدهد بلکه باعث می گردد یکی از زوج ها یا هر دو به طور قابل ملاحظه ای احساس پوچی کنند (هنریان و یونسی، ۱۳۹۹).

گذشته از این طلاق، پدیده ای است که بر تمامی جوانب جمعیت یک جامعه اثر میگذارد، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می نهد،

یعنی واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می پاشد، از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت نیز اثر میگذارد، زیرا موجب می شود فرزندان محروم از نعمت های خانواده تحویل جامعه گردند که احتمالاً فاقد سلامت کافی روانی در احراز مقام شهروندی یک جامعه اند. بنابراین آسیب اجتماعی ناشی از این اقدام نه تنها متوجه اعضاء خانواده، بلکه متوجه کل جامعه و نسل آینده نیز می باشد.

۴. رشد طلاق در ایران بر اساس آمار

آمار طلاق یکی از مشکلات اجتماعی محسوب می شود که در سال های اخیر رشد قابل توجهی در ایران داشته است و همچنین به عوامل مختلفی نیز بستگی دارد. بر اساس آمارهای منتشر شده، ایران با نرخ طلاق حدوداً ۲۱ درصد در سال ۲۰۲۰، در رتبه چهارم جهان قرار گرفته است. این نرخ در سال ۱۴۰۲ با افزایش قابل توجهی نسبت به سال های قبل، به حدوداً ۲۴ درصد رسیده است. آمار طلاق در استان های مختلف ایران براساس آمار ثبت احوال کشور، در ۴ ماه نخست سال ۱۴۰۲، بیشترین تعداد طلاق در کشور به ترتیب مربوط به استان های تهران با حدوداً ۱۳ هزار مورد، خراسان رضوی با حدوداً ۸ هزار مورد و اصفهان با حدوداً ۵ هزار مورد بوده است. همچنین کمترین تعداد طلاق در کشور به ترتیب مربوط به استان های ایلام با ۴۰۰ مورد، خراسان جنوبی با ۶۵۰ مورد و کهگیلویه و بویراحمد با ۷۵۰ مورد بوده است.

۵. علل رشد طلاق در جامعه

به گفته کارشناسان ازدواج هایی که در آنها هماهنگی بیشتری میان زوجین وجود دارد موفق ترند و کمتر به طلاق می انجامند. تشابهاتی مانند طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، سطح هوش، هم نژاد بودن، دین مشابه داشتن، هم زبان بودن و ... یک ازدواج موفق را رقم می زند. ازدواجی که با تشابه نژادی، زبانی، روانی و اجتماعی صورت بگیرد ازدواجی موفقیت آمیز است.

تفاوت طبقاتی یکی از عواملی است که با امکانات اجتماعی معمول دیدگاه های مختلفی را به وجود می آورد البته اگر دو نفر آن به اندازه از آگاهی لازم برخوردار باشند که این تفاوت ها را به رسمیت بشناسند ازدواجشان منعی ندارد. در اصل مهمترین دلایل طلاق توقعات نادرستی است که طرفین از یکدیگر دارند. طلاق دلایل گوناگونی دارد. این دلایل متناسب با موقعیت، طبقه و جایگاه اجتماعی زوجین متفاوت است. شناخت عوامل موثر در شکل گیری این پدیده در کنترل و کاهش آن نقش بسزایی خواهد داشت (هنریان و یونسی، ۱۳۹۹).

بطور کلی علل رشد طلاق در جامعه را به تفکیک عوامل زیر می توان تبیین کرد:

۱. عوامل فرهنگی و اجتماعی

- ضعف مهارت و سواد همسر داری
- تغییر شیوه های همسرگزینی
- تغییر «هویت» در جوان ایرانی، خصوصاً دختران جامعه و افزایش فردگرایی و منفعت طلبی
- نقش فضای مجازی
- تفاوت های فردی و فرهنگی
- سن ازدواج و اختلاف سنی زوجین و خشونت خانوادگی
- ولخرجی، چشم و هم چشمی، که موجب بالا رفتن هزینه زندگی می شود
- ازدواج های احساسی و خیابانی
- ازدواج های اجباری و مصلحتی
- نداشتن تناسب فرهنگی و فکری

۲. عوامل روانشناختی

- مشکلات شدید شخصیتی و روانی و عدم بلوغ عاطفی و فکری
- بدگمانی و مشکلات روحی حاصل از بی اعتمادی به شریک زندگی
- اختلالات عاطفی و روانی
- عدم تفاهم و سازگاری روانی (ظهرالدین و خدایی، ۱۳۹۸).

۳. عوامل اقتصادی

- مشکلات اقتصادی
- استقلال اقتصادی و مادی زنان و احساس عدم وابستگی به مرد

- مسائل اقتصادی مانند فقر و بیکاری.

۶. علل و راهکارهای تحکیم بنیان خانواده در مقابل طلاق

۱. استحکام روابط میان اعضا: علاقه داشتن به یک رابطه سالم، ایجاد یک کانون گرم و صمیمی و رسیدن به تفاهم، مسئولیت همه اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر است. می توان گفت که حل مسائل زناشویی و خانوادگی مستلزم کوشش همه جانبه اعضای خانواده به خصوص زن و شوهر است.

۲. پیوند بین اعضای خانواده: در ارزیابی روابط زناشویی، هر یک از زوج ها باید بدانند که همسر او نزدیک ترین و محرم ترین فرد به او است. لذا توصیه می شود به همسران به عنوان یک نیمه تن، حامی و پشتیبان نگاه کنید و تلاش نمایید وی را خوشبخت کنید. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهِنَّ» زنان به منزله لباسی برای شما و شما به منزله لباسی برای آن ها.

۳. کسب دانش و مهارت: انجام دادن هر کاری به مهارت و دانش نیاز دارد. یعنی برای یک همسر توانا شدن، باید دانایی ها، دانش ها و مهارت های لازم را کسب کرد. از این رو توصیه می شود با مطالعه کتاب های مربوط به تعلیم و تربیت، روانشناسی خانواده و آئین همسررداری و شرکت در جلسه های آموزشی خانواده به دانش و مهارت خود بیفزایند. (مشکینی، ۱۳۹۵).

۴. روابط سالم میان اعضا: خانواده نهاد اصلی و ویژه در جامعه است و برقراری روابط انسانی سالم و درست میان اعضای خانواده مهمترین عامل سلامت خانواده است. سعی کنید با همدلی، همفکری، همکاری و هماهنگی، روابط سالمی را میان اعضای خانواده خود برقرار نمایید. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «وَمَنْ حَسَنَ بَرَّهُ بِأَهْلِهِ زَادَ اللَّهُ فِي عَمْرِهِ» هر کس با خانواده اش نیک رفتار باشد، خداوند بر عمرش بیفزاید.

۵. ایجاد امنیت روانی: لازمه استمرار روابط زناشویی سالم، داشتن تعهد و وفاداری، اعتماد، انصاف، صمیمیت، پذیرش متقابل، سعه صدر، تفاهم و اعتماد است. با رعایت این اصول نسبت به همسران احساس مسئولیت کنید و در خانه، فضایی سرشار از امنیت عاطفی ایجاد کنید. امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «... وَ إِنَّ أَرْضَاكُم عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغَكُمْ عَلَى عَالِهِ» خدا از کسی که زمینه آسایش خانواده خود را [آبرومندان] فراهم سازد خشنودتر است. (مشکینی، ۱۳۹۵).

۶. تأیید همدیگر: مورد صحبت و توجه قرار گرفتن از نیازهای اساسی انسان است. سعی کنید در روابط زناشویی تان به طریقی رفتارهای مطلوب همسران را مورد توجه قرار دهید و تأیید کنید. همسر شما باید بفهمد که برای او ارزش قائل هستید. خلاصه آن که تشویق، تأیید و بیان نکات مثبت، باید به طور آشکار و یا در جمع باشد و تذکر نکات منفی و انتقاد باید به شکل محرمانه و در تنهایی صورت گیرد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ؛ بهترین شما، بهترین برای خانواده اش است.

۷. برخورد منطقی با مشکلات: باید در نظر داشت که مشکل یک طرف و شیوه برخورد با مشکل طرف دیگر است. به جای اتخاذ روش پرخاشگرانه، خشونت آمیز و بدبینانه، بهتر است روش مسالمت آمیز، صمیمانه و خوش بینانه را انتخاب کرد. اگر رفتاری برای شما مبهم است، ساده ترین راه این است که از همسران سؤال کنید هدف شما از انجام این کار چیست؟ منظور شما از این حرف چیست؟ چرا این گونه رفتار می کنی؟ چگونه عمل کردی؟ و غیره.

۸. جلوگیری از سوء تفاهم: مهم ترین عامل پدیدآیی مسائل و مشکلات زناشویی، سوء ارتباطات و سوء تفاهمات است. هر زن و مردی به سهم خود مسئولیت دارند که از به وجود آمدن این مسائل پیش گیری کنند و در اولین فرصت ممکن، به حل و فصل آن ها بپردازند زیرا سوء تفاهمات به صورت یک فرآیند مخرب و پیش رونده عمل می کنند. گاهی یک سوء تفاهم کوچک مانند گلوله برفی است که بر اثر غلطیدن از فراز کوه به تدریج به یک بهمن بزرگ تبدیل می شود (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۹).

۷. راهکارهای فرهنگی-اجتماعی کنترل طلاق در ایران

در این بخش به بررسی برخی از راهکارهای کاهش طلاق پرداخته می شود:

اصلاح نگرش به زندگی خانوادگی: امروزه آغاز زندگی زناشویی با توهماتی مانند یافتن شخص آرمانی برای ازدواج، هم سلیقه و هم خواست بودن زوجین و نقش نداشتن خانواده در انتخاب زوج مناسب همراه شده است که هر یک برای ایجاد مشکل در خانواده کافیهست؛ با این وجود نهادهای فرهنگ ساز، آن ها را واقعیت های زندگی جلوه می دهند. این توهمات گاه با لباسی خانواده گرایی، عرضه می شود؛ اما در عمل به کاهش کارآمدی خانواده می انجامد. کم کردن انتظارات می تواند به افزایش قدرت مواجهه با مشکلات و ناخواسته ها منجر شود و آستانه رضایت مندی از زندگی را پایین آورد (توسلی و غیائی، ۱۳۹۶).

محافظت بر ساختارها و پیوندهای سنتی: امروزه اعضای خانواده از دو مشکل نظری و احساسی رنج می برند: اول آن که تصویر روشن و صحیحی از ارزشمندی خانواده، ساختار خانواده و تفکیک جایگاه و نقش های خود و دیگران ندارند. ثانیاً به دلیل خلا در برقراری ارتباط صحیح با خویشاوندان و محله آسیب پذیرتر از گذشته اند. در طایفه ای که اعضای آن پیوندهای عاطفی مستحکمی برقرار کرده اند، ایجاد اختلال در رابطه زن و شوهر تاثیر منفی کمتری برجای می گذارد و بخشی از این خلا را روابط عاطفی با دیگران پر می کند؛ اما در فرض انحصار ارتباط عاطفی با اعضای خانواده هسته ای، اختلال در روابط با همسر، پیامدهای بیشتری خواهد داشت. از این رو لازم است به سمت بازپروری خانواده سنتی، در آنجا که تاکید بر سنت به معنای صحه گذاشتن بر نابسامانی و ستم نیست، همت گماشته شود (توسلی و غیائی، ۱۳۹۶).

درونی کردن ارزش های اخلاقی: نظام آموزش رسمی و غیررسمی از جمله رسانه ها و مهم تر از همه خانواده ها، باید ارزش های اخلاقی را به گونه ای در جوانان تعمیق کنند که در زمان بروز اختلافات خانوادگی مسیر اصلاح بر آنان هموار باشد. ارزش هایی چون اغماض و نادیده انگاری، گذشت، عذرخواهی و عذرپذیری، رحمت و شفقت، سرعت در برقراری ارتباط پس از قهر، پذیرش شفاعت دیگران در زندگی شخصی و حساسیت و مسئولیت نسبت به ایجاد سازش در زندگی دیگران از مواردی است که نیازمند آموزش مستقیم و غیرمستقیم است و نهادهای سیاستگذار و برنامه ساز با همکاری نهادهای دینی، می توانند چنین ارزش هایی را ارائه کنند (توسلی و غیائی، ۱۳۹۶).

۸. نتیجه گیری

اسلام به منظور استحکام روابط اعضای خانواده با یک دیگر، قوانین و مقررات جامعی ارائه داده و روابط آن ها را با دقیق ترین اسلوب نظام بخشیده است. ازدواج به عنوان «پیمان محکم» تعبیر آورده و همه مسائل مادی را از هدف خود دور ساخته است و برای این که اعضای خانواده از یک وحدت صوری و معنوی برخوردار شوند و روابط آن ها بر محور همبستگی کامل بچرخد، وظایف و اداره این سازمان را به طور عادلانه بین زن و مرد تقسیم کرده تا هر کدام به مقتضای استعداد و ذهنی که در آن

مهارت پیدا کرده، متعهد اداره‌قسمتی از امور زندگی شود. «زن و مرد نسبت به همدیگر حقوق متقابل دارند.» اسلام در زمینه‌شغل، امکانات طبیعی و سرشت زن و مرد دقیقاً ملاحظه کرده است. از طرفی مرد عهده دار شئون اقتصادی و تولیدات مادی و امور مربوط به آن می‌گردد، از طرف دیگر زن، تولیدات انسانی و پرورش نسل و نظارت در امر خانواده را به عنوان وظیفه‌اصلی خود می‌پذیرد.

خانواده یکی از نهادهای مهم جامعه بشری است که زیربنایی ترین و اولین نهاد اجتماع به شمار می‌رود. یکی از مهم ترین وجوه نگران کننده تحولات خانواده در ایران گسترش پدیده طلاق است. با توجه به اهمیت موضوع طلاق، پژوهش حاضر به بررسی علل و زمینه های طلاق در ایران پرداخته و راهکارهایی را برای رفع آن ارائه کرده است. طلاق در ایران دارای علل گوناگونی است که «تحول در الگوهای همسرگزینی»، «تغییر در ساختار نقشی و اقتدار خانواده»، «زیست جهان جنسی»، «تاثیر رسانه بر تحولات خانواده»، «نظام تربیتی سکولار»، «تحول در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی»، «کاهش آستانه صبر و سازش»، «مشکلات در روابط زوجین» از جمله آن هاست. همچنین برخی از راهکارهای رفع آن ها نیز مورد بررسی قرار گرفت که اصلاح نگرش به زندگی خانوادگی از جمله آن هاست.

طلاق شوم ترین سرنوشتی است که ممکن است برای یک خانواده رقم بخورد. با این وجود گاه گریزی از آن باقی نمی ماند. با طلاق رشته ازدواج میان زن و شوهر قطع می شود و از آن پس برای باز کردن گره علقه میان آن دو باید برخی اقدامات انجام شود. این پدیده یکی از مسائل اجتماعی عصر ماست که امروزه کمتر کسی در مورد مشکل و معضل بودن آن شک می ورزد. میزان بالای طلاق در جوامع امروزی جامعه شناسان را به کنکاش در مورد عوامل موثر بر آن داشته تا مکشوف گردد که چه چیزی موجب چنین تغییری در نرخ طلاق گردیده است. این پدیده جنبه های متعددی از زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می دهد و به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است.

به نظر می‌رسد با توجه به روند افزایشی میزان طلاق در ایران، جهت پایداری بنیان خانواده، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ملی برای آزمایشات طولانی‌مدت و مؤثرتر ضروری است. در حال حاضر، برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق اجرا می‌شود، اما مهم‌ترین چالش‌های اجرای این برنامه، ضعف همکاری بین‌بخشی، ضعف مشارکت مردم و تأثیر عوامل کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری، زیست محیطی و بین‌المللی بر اقدامات این برنامه ملی است. با توجه به هزینه اثربخش بودن تحقیقات ضروری است با مطالعات وسیع‌تر و تمرکز بر روش‌های جدید با اثربخشی بیشتر و نیز اصلاح عوامل ساختاری بستر ساز در جامعه، به تدوین برنامه ملی جهت تحکیم بنیان خانواده و کاهش میزان طلاق در کشور اقدام کرد. مسائل و آسیب‌های اجتماعی خانواده‌ها پیچیده و درهم تنیده است. این پیچیدگی ایجاب می‌کند با تلفیق خدمات، پراکنده و جزیره‌ای واحدهای مراقبت اجتماعی جامع به ازای جمعیت مشخص طراحی و در سراسر کشور فراهم شود. نظر به موفقیت کمتر برنامه‌های نوشته‌شده، لازم است ظرفیت‌سازی و سواد استقرار برنامه‌های ملی در دستگاه‌های مسئول تقویت شود.

منابع و مآخذ

قران کریم

۱. اسحاقی، محمد و محبی، سیده فاطمه و پروین، ستار و محمدی، فریبرز (۱۳۹۹) سنجش عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران، زن در توسعه و سیاست، شماره ۱۳ صص: ۹۷-۱۲۴.
۲. اشرافی مرتضی، نقدی بر فمینیسم (با تکیه بر تعالیم اسلامی)، قم، انتشارات قدس، ۱۳۸۴.
۳. توسلی، غلامعباس و غیاثی ندوشن، علی (۱۳۹۶) عوامل اجتماعی موثر بر طلاق طی دهه اخیر، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۳، صص: ۳۵-۴۹.
۴. شفیعی مازندرانی، محمد، راز خوش بختی و اعجاز ازدواج، قم، انتشارات عطراگین، ۱۳۸۵.
۵. ظهیرالدین، علیرضا و خدایی فر، فاطمه (۱۳۹۸) بررسی نیمرخ های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه - فصلنامه علمی پژوهشی فیض - شماره ۳۸ - صص: ۱-۷.
۶. قائمی، علی، تشکیل خانواده در اسلام، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۵، ص ۴۵.
۷. مشکینی، علی، ازدواج در اسلام، ترجمه احمد جنتی، تهران، انتشارات یاسر، ۱۳۵۹.
۸. هنریان، مسعوده و یونسی، جلال (۱۳۹۹) بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران، فصلنامه مطالعات روان شناسی بالینی، شماره ۱۶، صص: ۱۵۳-۱۲۶.